نانوشته‏ها

استاد مطهرى (2)

تهيه و تنظيم: سعيده غروى‏

در شماره گذشته، به مناسبت 12 ارديبهشت، به بررسى سيره زندگانى استاد شهيد مرتضى مطهرى پرداختيم. و در آن سير زندگانى، اساتيد و آثار ايشان را معرفى كرديم، در اين شماره، به سير مبارزات و شهادت آن استاد شهيد مى‏پردازيم.

مبارزات:

الف - قبل از پيروزى انقلاب اسلامى:

به موجب ارتباط نزديك شهيد مطهرى، با اقشار و طبقات مختلف جامعه، در جريان قيام 15 خرداد سال 42، ايشان در هدايت قيام مردم تهران و مرتبط كردن آن با رهبرى حضرت امام خمينى(ره) نقش اساسى داشت و خود در شب 15 خرداد، سخنرانى مهيّجى عليه شاه ايراد نمود كه در همان شب، دستگير و به زندان موقت شهربانى منتقل و به همراه عده‏اى از روحانيون مبارز تهران و شهرستانها زندانى شد و پس از 43 روز به دنبال فشارى كه از ناحيه علما و مردم بر رژيم شاه وارد شد، به همراه ساير روحانيون آزاد گرديد.

بعد از قضاياى 15 خرداد و آزادى امام خمينى و استاد مطهرى و ساير علما، هيئت‏هاى مؤتلفه اسلامى كه هسته آن همين هيئت‏هاى مذهبى و از نيروهاى مخلص و فداكار و تابع ولىّ فقيه بودند، براى يارى نهضت امام خمينى ظهور كردند. اين گروهها از امام درخواست چند نماينده كردند در فكر و عمل، كه تحت هدايت آنها باشند. استاد مطهرى كه از قبل با اين هيئت‏ها مرتبط بودند، به عنوان يكى از آن نمايندگان از سوى حضرت امام معرفى شدند.

در سال 43، حسنعلى منصور، كه به روحانيت بسيار هتّاكى مى‏كرد، توسط محمد بخارايى (از اعضاى اين هيئت‏ها) كشته شد. پس از دستگيرى وى، گروه اقدام كننده لو رفت و ساواك پى به تشكيلات و گروه رهبرى اين هيئت‏ها برد و اين گروه رو به انقراض نهاد.

پس از اين دوران، فصل جديدى در زندگانى و مبارزات استاد مطهرى آغاز شد. از طرفى، قيام 15 خرداد سركوب شده و امام خمينى به خارج از كشور تبعيد شدند و جمعيت مؤتلفه نيز منقرض شده و از طرف ديگر، رعبى از سركوب آن قيام در دل مردم افتاده بود.

شهيد مطهرى مردانه وارد اين ميدان شده، سخنرانيهاى خود را در مجامع اسلامى، اعم از مساجد و انجمنهاى اسلامى مهندسين و پزشكان و دانشجويان افزايش داد. موضوع اين سخنرانيها به گونه‏اى انتخاب شده بود كه هر يك مشكلى از مشكلات فكرى جامعه را حل و گوشه‏اى از چهره زيباى اسلام را نمايان مى‏كرد.

استاد مطهرى را هم چنين بايد از پيشتازان مبارزه با صهيونيسم در ايران بدانيم. نطقهاى آتشين ايشان عليه صهيونيسم و در دعوت مسلمانان جهت يارى رساندن به ملت مظلوم فلسطين، هنوز در گوشها طنين انداز است. استاد چنان كينه صهيونيستها را به دل داشتند كه در هر موقع مناسب، فرياد حق طلبانه خويش را در اين باب سر مى‏دادند. نطق تاريخى استاد عليه صهيونيسم، در عاشوراى سال 1390 قمرى، برابر با اسفند 1348 شمسى، در حسينيه ارشاد كه منجر به دستگيرى ايشان شد، فراموش ناشدنى است.

استاد شهيد در دورانى كه كمتر فعاليت سياسى داشت، به تأليف كتابهاى بسيار مفيد و ايراد سخنرانيها و كنفرانسها در مساجد و دانشگاهها مى‏پرداخت، اين گونه تلاشها را هرگز نبايد ناديده گرفت و مبارزه را صرفاً در زندان رفتن خلاصه كرد. در شرايطى كه تبليغات ماركسيستها و مسلمانان چپ زده بسيار گسترده بود و روز به روز جوانان مسلمان مبارز به خيل آن‏ها مى‏پيوستند و هاله‏اى از ابهام آينده نهضت را فرا گرفته بود، قرار گرفتن در گوشه زندان نه تنها دردى را دوا نمى‏كرد، بلكه ضربه‏اى بود به نهضت اسلامى.

پس از هجرت رهبر گرانقدر انقلاب اسلامى به پاريس، استاد با ايشان ارتباط مستمر داشت و به قول جناب حجةالاسلام آقاى هاشمى رفسنجانى، در يكى از مصاحبه‏هاى تلويزيونى، مركز هدايت انقلاب در داخل كشور و هماهنگى آن با رهبرى حضرت امام(ره)، منزل استاد مطهرى بود. ايشان براى تبادل نظر درباره مسائل مربوط به انقلاب اسلامى با حضرت امام، چند ماه قبل از پيروزى نهضت به پاريس سفر كرد و با ايشان ملاقات نمود. در همين سفر بود كه استاد از سوى امام (ره) مسؤول تشكيل شوراى انقلاب اسلامى گرديد و غير از چند نفر كه عضويت آن‏ها در همان جا مورد تأييد امام بود، بقيه افراد شورا بعد از مراجعت استاد به تهران تعيين و به امام (ره) پيشنهاد و از سوى ايشان پذيرفته شدند و بعداً موجوديت «شوراى انقلاب اسلامى» از سوى حضرت امام، در مراسمى كه در دانشگاه تهران با حضور مردم برقرار شد، اعلام گرديد.

و بالاخره هنگامى كه هواپيماى حامل حضرت امام (ره) در فرودگاه تهران به زمين نشست، حضرت امام (ره) قبل از پياده شدن از هواپيما، استاد مطهرى را خواستند و پس از آن كه كاملاً از اوضاع و احوال كشور آگاه شدند و در جريان برنامه‏ها قرار گرفتند، از هواپيما پياده شدند.

ب - بعد از پيروزى انقلاب اسلامى:

به هر حال انقلاب اسلامى ايران، در روز 22 بهمن سال 57، پيروز شد. اولين جمله گوينده راديو اين بود كه «اين صداى انقلاب ايران است». استاد مطهرى بر آشفت كه بايد بگويند: «انقلاب اسلامى».

پس از پيروزى انقلاب اسلامى نيز استاد مطهرى، هم چون گذشته، مشاورى دلسوز و مورد اعتماد براى حضرت امام بود و به طور تمام وقت، در مدرسه علوى، در كنار ايشان حضور داشت و در انتصابها و غيره اظهار نظر مى‏كرد، از جمله انتصاب مسؤول كميته انقلاب اسلامى به پيشنهاد ايشان انجام شد. به همين جهت، استاد مطهرى در جلسات اول تأسيس كميته انقلاب اسلامى حضور پيدا مى‏كرد و مى‏توان ايشان را مؤسس اين نهاد انقلابى ناميد.

ايشان در تأسيس سپاه پاسداران انقلاب اسلامى نيز نقش اساسى داشت و وجود چنين نهادى را خصوصاً با توجه به وجود گروهكهاى مسلح ضد انقلاب ضرورى و فورى مى‏دانست.

شهادت:

استاد مطهرى در روز سه شنبه، 11 ارديبهشت ماه 1358، ساعت ده و بيست دقيقه شب، توسط گروه نادان و جنايتكار فرقان به شهادت رسيد و رهبر و مردم را در ماتمى عظيم فرو برد.

در بيان خسران عظيمى كه با شهادت ايشان بر اسلام و مسلمين وارد گرديد، همين بس كه قسمتى از پيام سوگوارى حضرت امام (ره) را نقل نماييم.

بسم اللَّه الرحمن الرحيم‏

انا لله و انا اليه راجعون‏

اين جانب به اسلام و اولياى عظيم الشأن و به ملت اسلام و خصوصاً ملت مبارز ايران، ضايعه اسف‏انگيز شهيد بزرگوار و متفكر و فيلسوف و فقيه عالى مقام، مرحوم آقاى حاج شيخ مرتضى مطهرى (قدس‏سره) را تسليت و تبريك عرض مى‏كنم. تسليت در شهادت شخصيتى كه عمر شريف و ارزنده خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف كرد و با كجروى‏ها و انحرافات مبارزه سر سختانه كرد؛ تسليت در شهادت مردى كه در اسلام‏شناسى و فنون مختلفه اسلام و قرآن كريم كم نظير بود.

من فرزند بسيار عزيزى را از دست داده‏ام و در سوگ او نشستم كه از شخصيتهايى بود كه حاصل عمرم محسوب مى‏شد. در اسلام عزيز به شهادت اين فرزند برومند و عالِم جاودان، ثلمه‏اى وارد شد كه هيچ چيز جايگزين آن نيست. و تبريك از داشتن اين شخصيتهاى فداكار كه در زندگى و پس از آن با جلوه خود نورافشانى كرده و مى‏كنند. من در تربيت چنين فرزندانى كه با شعاع فروزان خود مردگان را حيات مى‏بخشند و به ظلمتها نور مى‏افشانند، به اسلام، بزرگ مربى انسانها و به امت اسلامى تبريك مى‏گويم. من اگر چه فرزند عزيزى كه پاره تنم بود، از دست دادم، لكن مفتخرم كه چنين فرزندان فداكارى در اسلام وجود داشته و دارد.

«مطهرى» كه در طهارت روح و قوت ايمان و قدرت بيان كم‏نظير بود، رفت و به ملأاعلى پيوست، لكن بدخواهان بدانند كه با رفتن او شخصيت اسلامى و علمى و فلسفى‏اش نمى‏رود. ترورها نمى‏توانند شخصيت اسلامى مردان اسلام را ترور كنند... .

اين جانب، روز پنجشنبه 13 ارديبهشت 58 را براى بزرگداشت شخصيتى فداكار و مجاهد در راه اسلام و ملت، عزاى عمومى اعلام مى‏كنم و خودم در مدرسه فيضيه روز پنجشنبه و جمعه به سوگ مى‏نشينم. از خداوند متعال براى آن فرزند عزيز اسلام رحمت و غفران و براى اسلام عزيز، عظمت و عزت مسألت مى‏نمايم.

سلام بر شهداى راه حق و آزادى

روح اللَّه الموسوى الخمينى

12/2/1358